

تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی‌قمشه‌ای بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی: سوره مبارکه قمر)

محمدعلی آذرشب^۱، معصومه ملکی^{۲*}، لیلا اسداله‌ئی^۳

- ۱- استاد گروه مطالعات ترجمه عربی، دانشگاه تهران، ایران
- ۲- دانش‌آموخته دکتری مطالعات ترجمه عربی، دانشگاه تهران، ایران
- ۳- دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه عربی، دانشگاه تهران، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۲۷

چکیده

الگوهای متعددی به ارزیابی کیفیت و نقد ترجمه‌ها می‌پردازند که در بین آن‌ها الگوی گارسس زوایای بیش‌تری از نقد ترجمه‌ها را در برمی‌گیرد. این الگو بر اساس اصل برابری میان متن مبدا و مقصد استوار است و آن را در چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- صرفی، گفتمانی- کارکردی و سطح سبکی- کاربرد شناختی می‌داند. این پژوهش در صدد بوده است با روش توصیفی-تحلیلی، ترجمه الهی‌قمشه‌ای و فولادوند از سوره مبارکه قمر را بر مبنای سطوح چهارگانه مدل گارسس مورد بررسی و نقد قرار دهد. نتایج نشان می‌دهد که در سطح معنایی-لغوی در ترجمه فولادوند بسط معنایی بیش‌تر و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای قبض معنایی، ابهام‌واژگانی و توضیح بیش‌تری مشاهده می‌شود. در سطح صرفی-نحوی در ترجمه فولادوند ترجمه غلط ساختار صرفی و نحوی بیش‌تر و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای جایجایی ساختار در ترجمه بیش‌تر وجود دارد. در سطح گفتمانی-کارکردی در ترجمه فولادوند و الهی‌قمشه‌ای تغییر منظور آیات در حد یکسان و تغییر به سبب تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی در ترجمه فولادوند بیش‌تر مشاهده می‌شود. در سطح سبکی-کاربرد شناختی در ترجمه الهی‌قمشه‌ای، تغییر کاربرد صنایع بلاغی بیش‌تر مشاهده می‌شود. بنابراین میزان افزایش در ترجمه الهی‌قمشه‌ای بیش‌تر و در ترجمه فولادوند میزان مانس و میزان کاهش، بیش‌تر مشاهده شد.

واژگان کلیدی: ترجمه فولادوند، ترجمه الهی‌قمشه‌ای، الگوی گارسس، سوره قمر

۱- طرح مسئله

اختلاف در نحوه بیان مفاهیم واژگان ترجمه شده دو زبان ناگزیر می‌باشد. این تفاوت بیان در ترجمه قرآن اهمیت بسیار دارد. تعدد سور و آیات قرآنی (که خواه ناخواه باعث خبط مترجم در ترجمه می‌شود)، همچنین تأویل پذیری و حساسیت برخی واژگان (هرکس به اندازه پیمان خود از آن واژگان معنایی در می‌یابد و یا معنایی را بر معنایی دیگر برمی‌گزیند)، سبب ناهمسانی در ترجمه واژه‌ها، ترجمه غلط و ناصواب برخی کلمات و آیات، مخالفت برخی ترجمه‌ها با قواعد صرفی و نحوی، دخالت دادن دیدگاه‌های خاص کلامی در ترجمه، عدم رعایت حدود ترجمه و خلط میان ترجمه و تفسیر و تأویل، استفاده از اسرائیلیات و افزودن برخی حواشی غیرضروری و ناصواب و در نهایت عدم رعایت قواعد املائی و چینش دستوری زبان فارسی شده است.

در حوزه ترجمه کتاب مقدس قرآن کریم علی‌رغم عدم وجود اصول و قواعد مخصوص ترجمه قرآن کریم، این کتاب مقدس بارها از سوی افراد مختلف ترجمه شده و نقد و ارزیابی‌های زیادی هم بر این ترجمه‌ها صورت گرفته است. در واقع کیفیت ترجمه همواره یکی از دغدغه‌های مترجمان قرآن کریم و استفاده‌کنندگان از ترجمه‌ها بوده است.

چنان‌که دقت نظر خوانندگان در انتخاب ترجمه مناسب، همچنین اجتناب از تکرار مشکلاتی که در ترجمه‌ها یافت می‌شود، نقد و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم را ضروری می‌سازد. این نقد و بررسی‌ها سبب افزایش کیفی ترجمه‌ها و دقت مترجمان شده است و از بروز یکسری خطاهای عمدی و غیرعمدی در ترجمه‌های قرآن جلوگیری نموده است.

در مطالعات ترجمه، نقد و ارزیابی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم، حوزه‌ای پیشرو به شمار می‌آید و آنچه اخیراً بر تازگی این مسیر نو افزوده است، استفاده از رویکردها و مدل‌های متفاوت ارزیابی و نقد ترجمه می‌باشد که هدف کیفیت‌بخشی به ترجمه‌ها را دنبال می‌نمایند.

برداشت‌های متفاوت از مقوله کیفیت ترجمه سبب رواج این الگوها شده است، در واقع این رویکردها، اصول ارزیابی درست ترجمه‌ها را به دست می‌دهند. براین بنیان، زمانی می‌توان از بهبود کیفیت ترجمه قرآن کریم سخن گفت که ترجمه‌ها بر مبنای الگوی علمی، دقیق و همه‌جانبه، بررسی شده باشند.

الگوی چندبعدی گارسس، برای ارزیابی متون ادبی به کار می‌رود و همین دقت و چندبعدی بودن، سبب کاربرد آن در بررسی ترجمه‌های قرآن شده است. این الگو تکنیک‌های هفت‌گانه مدل زبان شناختی وینه و داربلنه (۱۹۸۵) را در خود دارد و به تمام جنبه‌های کمی و کیفی توجه دارد. ارزیابی کیفیت و مقبولیت ترجمه در این الگو سبب شد تا این پژوهش برای اولین بار دو سبک ترجمه متفاوت را مورد بررسی قرار دهد.

در ارزیابی دو نوع ترجمه (آزاد و وفادار) میزان انطباق ترجمه با منظور اصلی آیه بهتر مشخص می‌شود و نوع ترجمه اصح و ادق نمایان می‌گردد و از خلال تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های ناهمسان می‌توان به ترجمه روانتر و ترجمه‌ای که کم‌تر در آن اشتباه وجود دارد، پی برد، ارزیابی ترجمه‌های همسان بیش‌تر شمارش و ارائه آماری میزان عدول مترجم از متن اصلی و یا حفظ آن به دست می‌دهد و به کمیت آماری اکتفا می‌کنند. در حالی که در بررسی سبک‌های متفاوت ترجمه، ضمن بررسی کیفیت ترجمه‌ها، میزان مقبولیت و کفایت نوع ترجمه ارزیابی می‌شود و نشان می‌دهد که کدام شیوه می‌تواند در عین روان و سلیس بودن، منظور آیه و کلام الهی را حفظ کند.

در بین ترجمه‌های قرآنی؛ ترجمه قرآن فولادوند و الهی‌قمشه‌ای از شیوایی، سادگی، استواری و نیز صحت و دقت فراوان برخوردار است. همچنین مطابقت با آیات و روانی و قابل فهم بودن، سبب توجه و اقبال عموم به این ترجمه‌ها شده است.

به نظر می‌رسد مقایسه دو سبک ترجمه متفاوت در الگوی گارسس می‌تواند ضمن بررسی انطباق آن‌ها با یکدیگر، میزان تفاوت‌ها و شباهت‌ها را در مقایسه با متن مبدأ بهتر آشکار سازد. لذا یکی از اهداف این پژوهش شناخت شباهت‌ها و فهم تفاوت‌های موجود،

با عنایت به تفاوت روش دو نوع ترجمه، بر مبنای الگوی گارسس^۱ است. از آنجا که بررسی همه این دو ترجمه، کاری زمان بر و طولانی است، لذا محققین، سوره قمر را به عنوان نمونه برای بررسی مقایسه‌ای برگزیده‌اند.

کوتاه بودن آیات، واژگان ساده‌تر، آسان فهمی و نیز اتفاق نظر مترجمان و مفسران درباره ترجمه مفردات و آیات سوره قمر، دلیل انتخاب این سوره است. سوره قمر، پنجاه و چهارمین سوره قرآن است. این سوره دارای ۵۵ آیه و حدود نیم حزب می‌باشد. موضوع سوره معجزه شق القمر، کیفیت حشر کافران و سرنوشت نیکوکاران و بدکاران، بخش‌هایی از تاریخ پرمجازی حضرت نوح (ع)، بخش‌هایی از تاریخ اقوام و ملت‌های گذشته همچون قوم عاد، ثمود، لوط و آل فرعون، ثبت و ضبط دقیق تمام اعمال و رفتار بشر برای محاسبه در جهان دیگر می‌باشد.

با توجه به آنچه طرح گردید این پژوهش به دنبال تطبیق و ارزیابی ترجمه فولادوند و الهی‌قمشه‌ای از سوره مبارکه قمر بر مبنای الگوی ارزیابی ترجمه گارسس می‌باشد. به نظر می‌رسد این الگو به سبب گنجایشی که در تعیین میزان قابلیت و کیفیت متون ترجمه شده و نیز میزان مطابقت آن‌ها با متن مبدأ دارد (امرای، ۱۳۹۷: ۲؛ شمس آبادی، ۱۳۹۷؛ اقبالی‌نمداری، ۱۳۹۷؛ مهدی پور، ۱۳۹۶)، می‌تواند چارچوبی کارآمد برای شناخت مشکلات ترجمه‌ای موجود در این دو ترجمه باشد.

بنابراین سوال پژوهش آن است که آیا این الگو می‌تواند برای تطبیق دو ترجمه متفاوت به کار گرفته شود؟ در این صورت چه تفاوتی بین ترجمه سوره مبارکه قمر الهی‌قمشه‌ای و فولادوند از منظر سطوح چهارگانه الگوی گارسس وجود دارد؟ همچنین بر اساس این الگو، آیا این دو ترجمه از سوره قمر، از کفایت و مقبولیت برخوردار است؟

۲- پیشینه تحقیق

پیرامون ارزیابی کیفی ترجمه‌های قرآنی، تعداد کمی پژوهش روشمند و مبتنی بر نظریه‌ای نظامند انجام شده است. تأملی کوتاه پیرامون ترجمه‌های قرآن نشان می‌دهد که این مسیر از شناخت، معرفی و مقایسه ترجمه‌های قرآنی به آسیب‌شناسی و سپس نقد و ارزیابی ترجمه‌ها رسیده است و اکنون مدتی است که از الگوهای ارزیابی ترجمه در بررسی ترجمه‌های قرآنی استفاده می‌شود. این پژوهش از نخستین تلاش‌ها برای مقایسه و ارزیابی کیفی دو ترجمه از قرآن کریم با دو سبک متفاوت (تحت‌اللفظی، آزاد) بر مبنای الگوی گارسس می‌باشد. در چند سال اخیر مطالعات ترجمه‌های قرآنی بر مبنای الگوهای ارزیابی کیفی ترجمه و بر بنیان چارچوب نظری شکل علمی تری یافته‌است. چنان‌که می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره نمود:

الگوی گارسس به عنوان یکی از مدل‌های جدید ارزیابی کیفی ترجمه، ابتدا در رشته زبان و ادبیات فارسی به کار گرفته شد. چنان‌که فرزانه (۱۳۸۷)، بر مبنای این الگو و با هدف ارزیابی و مقایسه کیفیت چهار ترجمه فارسی رمان شاهزاده و گدا اثر مارک تواین پرداخت. نتایج این پژوهش در فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است (رشیدی، فرزانه، ۱۳۹۲).

در ادامه پروین فرهادی، در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود در سال ۱۳۹۲ به ارزیابی و مقایسه کیفیت ترجمه‌های آثار غسان کنفانی نویسنده معروف فلسطینی بر مبنای الگوی گارسس پرداخت و با توجه به ویژگی‌های مثبت و منفی، ترجمه‌ها را دسته‌بندی نمود (فرهادی، ۱۳۹۲). اگرچه از این پژوهش مقاله‌ای منتشر نشد؛ اما پژوهش‌های بعدی در این حوزه به نوعی وامدار این پژوهش می‌باشد.

غلامی‌بروجی (۱۳۹۴) با تکیه بر مدل گارسس به بررسی مقابله‌ای ترجمه شمس‌الملوک مصاحب و رضایی از رمان غرور و تعصب از انگلیسی به فارسی پرداخته است.

همچنین نقد و بررسی ترجمه فارسی رمان قلب اللیل با عنوان دل شب بر اساس الگوی گارسس (صیادانی و دیگران، ۱۳۹۶) انجام گرفته است و متقی زاده و نقی زاده (۱۳۹۶) بر مبنای این مدل ترجمه فارسی به عربی پیام مقام معظم رهبری به حجاج در موسم حج سال ۱۳۹۵ را بر مبنای چهار سطح (واژگانی، دستوری، گفتمان و سبکی) مدل گارسس مورد ارزیابی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که تفاوت‌های فرهنگی میان فارسی و عربی می‌تواند در معادل‌گزینی در سطح واژگانی و دستوری و تبدیل ساختارها چالش ایجاد کند. در پژوهش دیگری شمس آبادی و شاهشونی بخش‌های خبری رسانه‌های عربی زبان برون مرزی را بر مبنای مدل گارسس آسیب‌شناسی نمودند (۱۳۹۷).

بررسی و پژوهش ترجمه نهج البلاغه محمد دشتی بر مبنای سطح معنایی لغوی الگوی ارزیابی ترجمه گارسس روشن می‌کند که دشتی در انتخاب‌های واژگانی خود، بیش از هر چیز به بسط واژگانی در قالب‌های مختلف و از همه مهم‌تر، به بسط تفسیری و ایدئولوژیک روی آورده است. او ابهام‌های واژگانی کلام امام علی (ع) را به کلی از میان برده، یا تفسیر به رأی کرده است و تلاش داشته هیچ واژه مبهمی در ترجمه‌اش وجود نداشته باشد (رحیمی‌خویگانی، کرمی، باقری، ۱۳۹۷: ۹).

همچنین پژوهشگران قرآنی از این مدل برای ارزیابی ترجمه‌های قرآنی استفاده کردند؛ چنان‌که پژوهش رحیمی‌خویگانی (۱۳۹۶) با عنوان بررسی و نقد واژگانی ترجمه موسوی‌گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی-لغوی گارسس)، نزدیک‌ترین پژوهش انجام شده به موضوع این تحقیق است. محقق با روش تحلیلی-توصیفی ترجمه گرمارودی را از منظر مولفه‌های نظریه گارسس نقد و بررسی نموده است و نتیجه می‌گیرد که ترجمه گرمارودی هم توضیحی، تفسیری-واژگانی است و هم موارد بی‌شماری از همانندی و معادل‌سازی-معادل مرسوم و غیرمرسوم-قبض و بسط واژگانی و همچنین انتقال ابهام را در خود دارد و مترجم تلاش فراوانی داشته تا برای واژگان قرآن معادل‌هایی بسازد یا بازآفرینی کند (خویگانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

اقبال، نامداری (۱۳۹۷) ترجمه الهی‌قمشه‌ای و مکارم شیرازی از سوره یوسف را در سطح صرفی-نحوی نظریه گارسس نقد و بررسی می‌نمایند و نتیجه می‌گیرند ترجمه مکارم در قبض نحوی بهتر است و ترجمه الهی‌قمشه‌ای در تبدیل یا تغییر نحوی فوق‌العاده است؛ اما با این حساب گاه در ترجمه تحت‌اللفظی و برداشت سطحی از واژه‌ها، لغزش‌هایی دارند. ترجمه الهی‌قمشه‌ای بیش‌تر به ترجمه مفهومی و توضیحی راغب است، قبض واژگانی و کاهش معنا نسبت به متن اصلی، جلوه آشکاری در ترجمه ایشان ندارد. در ترجمه الهی‌قمشه‌ای اشتباهات ترجمه و یا برداشت سطحی از واژه‌ها، آشکارتر است، به طوری که از معنای اصلی واژه غفلت شده و به ترجمه‌ای کلی و مفهومی روی آورده است که این امر ضعف در ترجمه را به همراه دارد.

مهدی‌پور در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد به بررسی ترجمه‌های حدادعادل، انصاریان و معزی در جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم بر اساس الگوی گارسس می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که واژگان ترجمه‌های مترجمان مذکور از نظر مؤلفه‌های نظریه گارسس، قابل نقد و ارزیابی است و اینکه ترجمه‌ها در دو سطح «معنایی-لغوی» و «نحوی-صرفی» نسبت به دو سطح دیگر الگوی گارسس، موفق‌تر عمل کرده‌اند؛ به عبارتی ترجمه آن‌ها از این لحاظ، کفایت لازم را دارد، به طوری که دو سطح دیگر نیز تنها از مقبولیت برخوردار است.

انوری در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با کاربری گارسس به نقد و بررسی ترجمه‌های مشکینی، رضایی اصفهانی و الهی‌قمشه‌ای در ترجمه آیات متشابه لفظی می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که اختلاف بین آیات متشابه ناشی از سیاق و بافت آیات است و الگوی گارسس قابلیت کاربری برای نقد ترجمه‌های قرآن کریم را دارد، بر اساس این الگو ترجمه مشکینی و رضایی اصفهانی مقبولیت بیش‌تری دارد (انوری، ۱۳۹۶: ۸).

چنان‌که مشاهده شد، در بیش‌تر پژوهش‌هایی که به موضوع ترجمه قرآنی پرداخته‌اند، ترجمه به معنای اعم آن و آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآنی را به شکل کلی بیان کرده‌اند. در

چند سال اخیر، با گسترش مطالعات ترجمه، استفاده از مدل‌های نظری به شکل روشمند، این بررسی‌ها را انسجام بیش‌تر و اعتبار تازه‌ای بخشیده‌است؛ که نتیجه آن افزایش کیفی ترجمه‌های قرآنی خواهد بود. چنان‌که پیشینه پژوهش نشان داد چندبعدی و کاربردی بودن الگوی پیشنهادی گارسس، سبب گسترش آن در ارزیابی کیفی ترجمه‌های فارسی شده است.

چنان‌که روزبه‌روز تعداد پژوهش‌ها و مطالعاتی که از این الگو استفاده می‌نمایند، افزایش می‌یابد. در بیش‌تر ارزیابی ترجمه‌های قرآنی بر مبنای الگوی گارسس؛ فقط یکی از سطوح این مدل مورد بررسی قرار گرفته است. اما در پژوهش حاضر همه سطوح چهارگانه این الگو در ترجمه قرآنی تطبیق داده شده است و همچنین برای اولین بار ترجمه این دو مترجم بزرگ قرآن را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد.

۳- چارچوب نظری پژوهش

نقد ترجمه^۲ پیوند ضروری میان نظریه ترجمه و عمل ترجمه است (Newmark, 1984 : 184). ارزیابی متون ترجمه شده سبب آشکارسازی اشکالات می‌شود و ارتقای کیفیت ترجمه‌ها را به دنبال دارد.

ارزیابی ترجمه به منظور اطمینان از صحت و درستی و مطابقت آن با اصول و فنون مختلف ترجمه ضروری است. زیرا زمینه‌ای مناسب فراهم می‌کند تا رقابت مثبت در جهت پیشرفت امر ترجمه ایجاد شود، روند صعودی در ترجمه‌ها به وجود آید و کیفیت ترجمه‌ها بالا برود (صیادانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱).

الگوی گارسس (۱۹۹۴) در مقایسه با الگوهای پیشنهادی دیگر نسبتاً جامع‌تر می‌باشد (شمس‌آبادی، شاهسونی، ۱۳۹۷: ۲۷۵). لذا در این پژوهش از این الگو استفاده شده است. گارسس در سال ۱۹۹۴م، الگوی پیشنهادی خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه کرد. وی در الگوی خود به نظریات زبان‌شناسان و نظریه پردازان ترجمه، همچون نیومارک نظر داشته

است (متقی زاده، نقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۷۴). این الگو بر اساس اصل برابری میان متن مبدأ و مقصد استوار است. این برابری در چهار سطح معنایی- لغوی، نحوی- صرفی، گفتمانی- کارکردی و سبکی- کاربرد شناختی قابل بررسی است. البته گارسس می‌گوید گاهی این چهار سطح با هم تداخل دارند (Garces, 1994: 79).

در الگوی گارسس کیفیت و مقبولیت ترجمه‌ها بر اساس سطوح ذکر شده صورت می‌گیرد که در هریک از این سطوح تقسیماتی جهت ارزیابی ارائه شده؛ در سطح معنایی- لغوی^۳ ارزیابی‌ها بر اساس شاخص‌های بسط معنایی واژه^۴، اقتباس^۵ (معنای نزدیک)، عدم ترجمه به معادل فرهنگی^۶، تعریف یا توضیح^۷ (حشو)، کاربرد واژه خاص به جای عام و برعکس^۸، ابهام واژگانی^۹ و پیچیدگی^{۱۰} بررسی می‌شود. در سطح صرفی-نحوی^{۱۱} شاخص ترجمه غلط ساختار نحوی، جابجایی ساختارها در ترجمه، ترجمه از طریق تغییر دیدگاه^{۱۲}، ترجمه از طریق توضیح یا بسط معنی، ترجمه از طریق جبران^{۱۳}، ترجمه تحت اللفظی^{۱۴}، ترجمه از طریق تلویح^{۱۵}، تقلیل^{۱۶} و حذف^{۱۷}، در اصول ارزیابی قرار می‌گیرد و در سطح گفتمانی-کارکردی^{۱۸} تغییر دادن منظور نویسنده، تغییر لحن نویسنده، تغییرات به سبب اختلافات اجتماعی فرهنگی، تعدیل اصطلاحات محاوره‌ای و نیز تغییر در ساخت درونی متن مبدأ و در سطح سبکی-کاربرد شناختی^{۱۹} گسترش خلاقانه جمله، اشتباه مترجم، کاربرد اصطلاحات نادرست در متن مقصد، تغییر کاربرد صنایع بلاغی مثل استعاره، حفظ اعلام (اسامی خاص)، حفظ ساختار خاص متن مبدأ و پرگویی در برابر ساده‌گویی اهم اصول این نقد و بررسی را تشکیل می‌دهد (Garces, 1994: 81-83).

در این الگو دقت و صحت ترجمه موضوع اصلی مورد توجه می‌باشد و مجموعه‌ای از ویژگی‌های ترجمه ارائه شده است. برخی ویژگی‌های مثبت که کیفیت ترجمه را بهتر می‌کند از جمله: «معادل‌های فرهنگی، بسط نحوی و...» و همچنین برخی ویژگی‌های منفی همچون: «ترجمه‌های تحت‌اللفظی، نارسایی در مفهوم معادل‌ها، قبض نحوی و...» که سبب پایین آمدن کیفیت ترجمه می‌شود نیز بیان شده است.

در کفایت و مقبولیت ضمن توجه بر دقت و صحت عناصر زبانی بر تأثیر سیستم زبان مبدأ بر زبان مقصد و میزان پذیرش ترجمه خوانندگان و مخاطبان متن مبدأ تأکید می‌گردد؛ از این رو برخی ویژگی‌های منفی و مثبت که برای ارزیابی و تعیین میزان کیفیت ترجمه‌ها در مدل پیشنهادی گارسس لحاظ شده است، در جدول زیر نشان داده می‌شود و بر اساس آن، ترجمه دو مترجم نقد و ارزیابی و بسامد ضعف و قوت ترجمه ایشان، براساس ویژگی‌های موجود در ترجمه ارائه می‌شود.

جدول ویژگی‌های مثبت و منفی نشان‌دهنده کیفیت ترجمه در سطوح مختلف مدل گارسس (۱۹۹۴)

ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی
تعریف	بسط ساده
جبران	بسط خلاقه
توضیح	تغییر لحن
حذف	اشتباه مترجم
بسط نحوی	انتقال ابهام
معادل فرهنگی	ساده‌کردن ترجمه
هماندسازی	قبض نحوی یا کاهش
تغییر نحو یا صورت	حذف صنایع بلاغی
تغییر در نوع جمله	تغییر در صنایع بلاغی
تغییر دیدگاه یا بیان	تصرف در متن مبدأ
حفظ صنایع بلاغی	ترجمه تحت‌اللفظی
تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی	نارسایی در مفهوم معادل‌ها
حفظ اسم‌های خاص با معادل در متن مقصد	تغییر در ساخت دورنی متن مبدأ
	ترجمه قرضی یا گرتبه‌برداری

۴- تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در این پژوهش بر مبنای الگوی ترکیبی گارسس، کیفیت ترجمه‌ها و کفایت و مقبولیت آن‌ها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ناگفته پیداست که در ترجمه برخی متون ممکن است برخی ویژگی‌ها تغییر جهت مثبت یا منفی بدهند. مثلاً ممکن است در متنی بسط خلاقانه یک نقص در ترجمه محسوب شود و در متنی دیگر حُسن باشد و گاهی نیز این سطوح با هم تداخل پیدا می‌کنند و تفکیک آن‌ها به سادگی صورت نمی‌پذیرد. در پژوهش حاضر تلاش شده‌است شاخص‌هایی از الگوی گارسس که در سوره مبارکه قمر مشاهده می‌شود به طور عینی در ترجمه الهی‌قمشه‌ای و فولادوند از قرآن کریم ارزیابی، نقد و تحلیل شود.

۴-۱- سطح لغوی - معنایی

۴-۱-۱- بسط^{۲۰} نحوی یا گسترش معنایی

افزودن یک یا چند واژه به ترجمه بر حسب ضرورت (Garces, 1994: 80-81) است. همچنین فعلی شدگی و جمع نمودن اسامی مفرد نیز جزو موارد بسط معنایی به شمار می‌رود.

با این تعریف در ترجمه فولادوند میزان بسط یا گسترش معنایی ۳۱ مورد است:

«آخر» در آیه ۳، «از کفر» در آیه ۴، «حق این بود» در آیه ۵، «حق این بود» در آیه ۶، «ی خود» در آیه ۷، «چه» در آیه ۸، «نیز» و «بسی» در آیه ۹، «زمین و آسمان» در آیه ۱۲، «کشتی» در آیه ۱۳ و ۱۴، «سفینه» و «باشد» در آیه ۱۵، «سر» در آیه ۱۹، «وحی» در آیه ۲۵، «به صالح گفتیم» در آیه ۲۷، «شتر را» در آیه ۲۹، کلمات «سر» و «مرگبار» و «کومه‌ها» در آیه ۳۱، «سر» و «انفجاری» در آیه ۳۴، «لوط» در آیه ۳۶، «گفتیم» و «مزه» در آیه ۳۷، «گریبان» در آیه ۴۲، «که برشمردیم» و «ی آسمانی» در آیه ۴۳، «و یار و یاور همدیگر» در آیه ۴۴، و به آنان گفته می‌شود» و «و احساس کنید» در آیه ۴۸، «ی اعمالشان درج» در آیه ۵۲.

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای، بسط معنایی در ۲۵ مورد در آیات سوره مبارکه قمر صورت

گرفته‌است:

در آیه ۵ «اگر از آن پند نگیرید»، در آیه ۸ «که ما انکار می کردیم»، و نیز در آیه ۲۵ «چنین نیست»، در آیه ۲۷ «بر آزارشان»، در آیه ۳۰ «باز بنگرید»، در آیه ۳۸ عبارت «مرگ آمد»، و «دوزخ»، در آیه ۳۹ «و گفتیم» در آیه ۴۳ «و قوی تر»، در آیه ۴۴ «بسیار»، در آیه ۴۷ «دنیا» و «آخرت»، در آیه ۴۹ «و گویند»، در آیه ۵۰ «در همه عالم» و در آیه ۵۴ عبارت «ی بهشت ابد» و در آیه ۵۵ کلمه «جاودانه» به ترجمه اضافه شده اند؛ همچنین در آیات ۱۵، ۱۷، ۲۲، ۴۰، ۵۱ ﴿مُدْکَرٌ﴾ «پند بگیرد» و در آیه ۱۴ ﴿جَزَاءٌ﴾ «پاداش دهیم» به صورت فعل ترجمه شده اند.

۴-۱-۲- توضیح یا تفسیر

مترجم برای جلوگیری از ابهام، پیچیدگی و نزدیک ساختن موضوع به ذهن مخاطب، توضیحاتی را گاه از منشأ نزول آیه یا اشاره به واقعه‌ای که منظور کلام الهی است، می‌آورد. در ترجمه الهی‌قمشه‌ای برای پرهیز از ابهام و پیچیدگی آیات، ۲۱ مورد توضیح یا تفسیر در ضمن آیات سوره مبارکه قمر دیده می‌شود. در آیه ۱ «این آیه راجع به شق القمر است که کفار از رسول اکرم درخواست کردند»، در آیه ۲ «شکافتن ماه»، در آیه ۳ «رسول حق را»، «حق و باطل» «دوزخ و بهشت»، در آیه ۵ «قرآن»، در آیه ۶ «چون اسرافیل خلق را»، در آیه ۹ «با زجر و ستم بسیار که از آن‌ها کشید از دعوت به حق»، افزودن مخاطب برای آیه ۱۶ که این آیه را خطاب به «بدکاران عالم» می‌داند، در آیه ۱۸ «پیغمبرشان هود را»، در آیه ۲۷ «به صالح گفتیم که» و «به درخواست آن‌ها از سنگ بیرون می‌فرستیم»، و در آیه ۲۸ تقسیم آب چشمه که داخل پراتنز توضیح داده شده «که یک روز سهم ناقه و روزی برای آن‌هاست»، در آیه ۳۱ «عذاب آسمانی»، در آیه ۳۵ تفسیر نعمت به «نجات اهل بیت لوط» و در آیه ۳۷ «که فرشتگانی زیبا بودند، بر سوء قصد»، در آیه ۴۳ «مکیان» و «آسمانی از عذاب خدا»، در آیه ۴۵ «جنگ بدر»، در آیه ۴۶ «روز بدر»، در آیه ۵۰ تفسیر «و هیچ تبدیل‌پذیر نیست چه در امر ایجاد و چه در کار معاد، و در سرعت».

در ترجمه فولادوند جز اندک کلماتی که جهت بسط نحوی و انسجام دهی به متن اضافه شده‌است، توضیح و تفسیر دیگری دیده نمی‌شود و همین ویژگی است که ترجمه وی را تا حد زیادی به ترجمه تحت اللفظی نزدیک کرده‌است.

۴-۱-۳- قبض

در مقابل بسط و گسترش معنایی، قبض^{۲۱} قرار دارد که به کار بردن یک واژه در زبان مقصد به جای چند واژه متن مبدأ است و شامل حذف فعل‌ها به قرینه صارفه، تبدیل مجهول به معلوم، اسمی شدن، ترجمه جمع به صورت مفرد (به طور کلی ۳ مورد در ترجمه فولادوند و ۱۰ مورد در ترجمه الهی‌قمشه‌ای) که از آن به ترانهش یاد می‌کنند. ترانهش^{۲۲} یا جابجایی یا تعویض صورت، شامل حرکت از یک طبقه دستوری به طبقه دیگر است، بدون اینکه معنی متن عوض شود. این تکنیک موجب تغییر ساختار دستور زبان متن می‌شود. در فرایند ترجمه، انتقال معنا از زبانی به زبان دیگر عموماً با ایجاد تغییراتی در صورت پیام یا به عبارتی دقیق‌تر در صورت‌های دستوری پیام ممکن می‌شود برای مثال، در موارد مقتضی برای ایجاد بیانی روان در فارسی گاهی اسم جمع را به مفرد، قید را به صفت و مجهول را به معلوم تبدیل می‌کنیم. همین طور، در روند برگردان از انگلیسی به فارسی نیز ممکن است *an* یا *a* را حذف کنیم.

۴-۱-۳-۱- حذف به قرینه صارفه

گاهی حذف به دلایلی مانند تفاوت در فرهنگ‌ها و اختلاف در ایدئولوژی‌های زبان مبدأ و مقصد اتفاق می‌افتد و چه بسا به جا و منطقی به نظر آید. برخی از مترجمان به دلایلی چون ناتوانی در فهم معنای جمله یا بخشی از آن، کاستن از فشار کار ترجمه، ضروری تشخیص ندادن آن، خطای دید برخی از ارکان و قسمت یا قسمت‌هایی از جمله را حذف می‌کنند که به دور از امانت داری است (نصیری، ۱۳۹۰: ۱۲۲).

در ترجمه فولادوند ۳ مورد حذف مشاهده می‌شود: آیه ۵۰ حذف «نیست» با اتکاء بر قرینه آن که قبلیش قرار گرفته، در آیه ۵۳ حذف «است» و نیز حذف فعل از آیه ۵۴. در ترجمه الهی‌قمشه‌ای ۴ مورد حذف وجود دارد: در آیه ۴۴ کلمه «هستیم/ایم» به قرینه لفظی برای جلوگیری از تکرار حذف شده‌است، در آیات ۴۵ و ۴۷ کلمه «اند» به قرینه حذف شده و نیز در آیه ۴۹ حذف ترجمه ﴿إِنَّا﴾ که حذف آن بلاغت تأکیدی جمله را کاسته-است.

۴-۳-۱-۲- تبدیل مجهول به معلوم

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای در ۴ آیه این تبدیل صورت گرفته‌است؛ در آیات ۴۵ ﴿يَهْرَمُونَ﴾، ۴۸ ﴿يُسْحَبُونَ﴾، ۲۵ ﴿الْقِيَامَةِ﴾ و ۱۴ ﴿كُفِرَ﴾ فعل مجهول به صورت معلوم ترجمه شده‌است. در ترجمه فولادوند تبدیل فعل مجهول به معلوم صورت نگرفته‌است.

۴-۳-۱-۳- اسمی شدگی

اسمی شدگی یا تبدیل فعل جمله به اسم؛ برخلاف فعل، اسم دو مشخصه فاعل و زمان را ندارد و در تبدیل فعل به اسم قبض معنایی صورت می‌گیرد؛ در ترجمه الهی‌قمشه‌ای در آیه ۱۲ ﴿قَدْ قُدِرَ﴾ «مقدّر حتمی» ترجمه شده‌است.

۴-۳-۱-۴- ترجمه جمع به صورت مفرد

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای در آیه ۴۱ واژه ﴿النُّذُرُ﴾ به صورت مفرد ترجمه شده است.

۴-۱-۴- ابهام

در معنی‌شناسی، ابهام در دو سطح واژه و بزرگتر از واژه رخ می‌دهد. ابهامی که بر حسب عدم تعبیر مشخص مفهوم واژه ای به دست آید ابهام واژگانی می‌نامند (صفوی، ۱۳۹۱: ۵۳). ابهام گاهی عمدی و گاهی سهوی است. ابهام سهوی، تصحیح و ابهام عمدی حفظ و در ترجمه لحاظ می‌شود (Newmark, 1988: 206).

در ترجمه فولادوند در آیه ۶ واژه «نُكِرَ» «دهشتناک»، در آیات ۲۴ و ۴۷ «سُعِرَ» «جنون» و در ترجمه الهی قمشه ای در آیه ۶ «نُكِرَ» «عالم حیرت انگیز و قیامتی هول انگیز»، در آیه ۱۲ «أُفِرَ» «طوفان» ترجمه شده است.

در ترجمه فولادوند ۳ مورد ابهام عمدی و در ترجمه الهی قمشه ای ۲ مورد ابهام عمدی از بین رفته است. یکی از مولفه‌های اصلی در تشخیص عمدی بودن ابهام واژگان، قصد و نیت کاربر زبان است؛ در قرآن کریم این تشخیص سخت‌تر به نظر می‌رسد، با این حال بار معنایی هر کلمه و بافت و سیاقی که واژه در آن به کار رفته راهگشاست؛ لذا کلمه «نُكِرَ» با توجه به هم خانواده آن نکره به معنای ناشناخته (که از خود کلمه) برداشت می‌شود، نوعی ابهام عمدی می‌تواند باشد و نیازی به ترجمه آن به دهشتناک و حیرت انگیز و هول انگیز نیست. کلمه «أُفِرَ» نیز به علت وسعت دایره معنایی آن نیازی به تعیین دقیق یعنی «طوفان» نیست، چرا که در همان طوفان نجات کشتی‌نشینان هم اراده شده بود و این امر، هلاکت یک عده و نجات عده ای دیگر را در برداشت.

۴-۱-۵- همانندسازی

در ترجمه الهی قمشه ای ۱۶ مورد عدم هماهنگی و یکسان سازی در ترجمه مشاهده می‌شود: در آیات ۱۵ و ۵ واژه‌های «ثُدِرَ»، «اندرز و پند»، در آیات ۱۶ و ۱۸ و ۲۱ و ۳۰ «عذاب و تنبیه»، در آیه ۲۳ «آیات حق»، در آیات ۳۳ و ۴۱ «آیات و رسول حق»، در آیه ۳۶ «آیات»، در آیات ۳۷ و ۳۹ «انتقام»، در آیه ۲ واژه «مستمر»، «نیرومند و کامل» و در آیه ۱۹ «پایدار»، در آیه ۲۴ واژه «سعر^{۳۳}»، «جنونی سخت» و در آیه ۴۷ «آتش سوزان دوزخ» ناهمسان ترجمه‌اند. در ترجمه فولادوند در ۱۱ مورد عدم یکسان سازی در ترجمه دیده می‌شود: در آیه ۳۶ واژه «ثُدِرَ»، «تهدیدهای من» و در آیات ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۳۹ «عذاب و هشدارهای من» در آیات ۲۳، ۳۲، ۳۳، ۴۱ اسم فاعل به معنای «هشداردهندگان» ترجمه شده است.

همانطور که در تعریف صفوی از ابهام واژگانی آمده است، عدم دقت در ترجمه واژگان نیز ابهام را به وجود می‌آورد. لذا هر جا واژه‌ای به درستی و یا دقیق ترجمه نشده است جزء موارد ابهام به شمار می‌آید:

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای ۳ مورد عدم معادل‌یابی درست واژگان در آیه ۲۰ ﴿أَعْجَازُ﴾ به «ساقه‌ها» به جای زیر تنه یا ریشه^{۲۴}. (طریحی، ۱۳۷۵ش، ج ۳، ۴۶۲ ذیل واژه قعر؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۵۵۲، ذیل واژه عجز)؛ در آیه ۴۸ واژه ﴿مَسَّ﴾ «الم» ترجمه شده؛ همین واژه در مفردات الفاظ قرآن «مس نمی‌کنند و دست نسایند» ترجمه شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۳۵) و یا در آیه ۲۵ ﴿أَشْرُ﴾ بی‌باک و خودپسند» ترجمه شده است که این معنا بار منفی مورد نظر در فضای آیه را دارا نمی‌باشد. در سطح واژگانی نیز ترجمه این کلمه نارساست چنان‌که در کتب لغت معنای «سرخوشی و مستی و خودبزرگ بینی که ماحصل آن ادعای نبوت باشد» آمده است. «بَطْرٌ مُتَكَبِّرٌ حَمَلَهُ بَطْرُهُ وَ شَطَارَتُهُ وَ طَلَبُهُ التَّعْظِيمَ عَلَيْنَا عَلَى ادِّعَاءِ النُّبُوَّةِ» (ابن معصوم مدنی، ۱۳۸۴، ج ۷: ۳۳).

شدت سرخوشی و سرمستی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۷۶) فالأشْر أبلغ من البطر، و البطر أبلغ من الفرح (همان: ۷۷)، الأَشْرُ: المَرَح (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۲۰، أشر) برای این واژه ذکر شده است و در ترجمه موجود این معانی از آن برداشت نمی‌شود. لذا به نظر می‌رسد معنای طغیانگر و سرکش و مدعی مناسب‌تر باشد.

در ترجمه فولادوند ۴ مورد عدم معادل‌گزینی درست وجود دارد: در آیه ۲ «سحری دائم»^{۲۵}، ﴿أَشْرُ﴾ در آیه ۲۵ «گستاخ»، در آیه ۴۴ ﴿مُتَّصِرٌ﴾ «انتقام‌گیرنده»، در آیه ۴۸ ﴿مَسَّ سَفَرٌ﴾ «درد و هشدارهای مرا» به صورت دقیق و درست معادل‌یابی نشده است.

داده‌های جدول زیر نشان می‌دهد ترجمه فولادوند بسط معنایی بیش‌تری نسبت به ترجمه الهی‌قمشه‌ای دارد اما در توضیح، قبض معنایی و ابهام واژگانی الهی‌قمشه‌ای آمار بیش‌تری در ترجمه به خود اختصاص داده است. مطابق شواهد، ترجمه الهی‌قمشه‌ای نسبت به ترجمه فولادوند، ترجمه‌ای آزادتر و پیامی‌تر است و لزومی نمی‌بیند که در برابر هر واژه

تطبيق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه ای ... محمدعلی آذرشب و همکاران

مبدأ معادلی در زبان مقصد بیاورد. در این ترجمه عبارات توضیحی یا تفسیری فراتر از ترجمه به حدی افزایش یافته که متن و شرح مترجم درهم آمیخته می‌شود. میزان شرح و توضیح در ترجمه الهی قمشه‌ای به اندازه‌ای است که می‌توان آن را «خلاصه التفسیر» نامید.

جدول شماره (۱): سطح معنایی - لغوی

شاخص مترجمان	سطح معنایی	توضیح یا تفسیر	قبض معنایی				ابهام واژگانی
			حذف به قرینه	تبدیل مجهول به معلوم	اسمی‌شدگی	ترجمه جمع به مفرد	
الهی قمشه‌ای	۲۵	۲۱	۴	۴	۱	۱۶	
فولادوند	۳۱	۰	۳	۰	۰	۱۱	

همچنین بررسی شاخص‌های این سطح، متن‌وارگی را در ترجمه فولادوند آشکار می‌سازد؛ متن‌وارگی وجود پیوستگی^{۳۶} و انسجام^{۳۷} بین کلمات و جملات و بندهای یک متن است. پیوستگی شرطی است که ایجاب می‌کند زنجیره‌ای از جمله‌ها از لحاظ دستوری و یا واژگانی با هم در ارتباط باشند. به نحوی که یکپارچگی روساختگی متن حفظ شود. پیوستگی مربوط به روابط صوری میان اجزا یک متن می‌شود و از چهار راه حاصل می‌گردد که سه راه آن دستوری است (ارجاعات، حذف به قرینه، کلمات موصولی، جانشینی) (هلیدی، حسن، ۱۳۹۳). انسجام با استفاده از انواع منابع ادراکی^{۳۸} تضمین می‌کند که معناها به طور مشخص با یکدیگر مرتبطند (حیتم، ماندی، ۱۳۹۳: ۱۱۵).

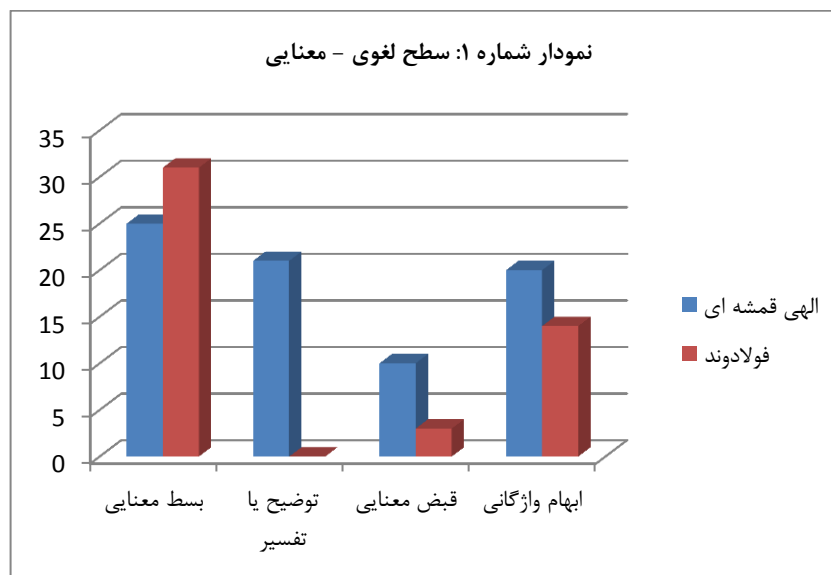
فولادوند به خوبی از آن در ترجمه خود استفاده کرده است. این اضافات در حد یک یا دو کلمه است تا به فهم مقصود کمک کند و انسجام متنی را سبب شود و با گسترش یا بسط معنایی متفاوت می‌باشد در بسط معنایی یک واژه معنادار به کلام اضافه می‌شود ولی

انسجام دهنده کلمات غالباً ربطی هستند که وظیفه ارتباط بخشی بین جملات و پاراگراف‌ها را برعهده دارند.

فولادوند بنا بر نیاز و ضرورتی که در ترجمه تشخیص داده است در داخل گروه برخی اضافات را آورده که حدوداً ۲۳ مورد است و این اضافات به انسجام متن و پیوستگی متن کمک کرده است مانند:

[لی] در آیه ۳، [ی خود] در آیه ۷، [چه] در آیه ۸، [نیز] در آیه ۹، [این] در آیه ۱۴، [تا] در آیه ۱۵، [ی من] در آیات ۱۶ و ۱۸ و ۲۱ و ۳۰، [که] در آیه ۲۰، [نه] در آیه ۲۵، [آن] در آیه ۲۷، [او] در آیه ۲۹، [و] در آیه ۳۴، [و این] و [او را] در آیه ۳۵، [ی ما] در آیه ۳۶، [های] در آیه ۳۷ و ۳۹، [اما آنها] در آیه ۴۲، [آن هم] در آیه ۵۰، [در آن] در آیه ۵۴.

اگر این انسجام دهنده‌ها، داخل گروه قرار داده نمی‌شد، به شدت بوی ترجمه از ترجمه فولادوند به مشام می‌رسید. این وفاداری به متن مبدأ سبب معادل‌سازی یک به یک واژه‌ها با متن مقصد شده است. اضافات برای ایجاد انسجام و پیوند بین اجزای جمله‌ها و پاراگراف‌ها در ترجمه الهی‌قمشه‌ای چهار مورد است که در آیات: ۵ (شمارا)، در آیه ۶ (تا)، در آیه ۱۰ (مرا)، در آیه ۵۳ (در آنجا) گنجانده شده است.



۴-۲- سطح صرفی- نحوی

در این سطح گارسس شاخص‌های غلط ساختار نحوی، جابجایی ساختارها در ترجمه، تلویح و تقلیل یا حذف ترجمه، تغییر دیدگاه، تغییر در نوع جمله و ترجمه تحت اللفظی را ارزیابی می‌کند که به دلیل همپوشانی زیاد برخی از آیات با سطح سوم، توضیح برخی شاخص‌های سطح سوم (گفتمانی-کارکردی) نیز در این سطح دیده می‌شود و تفکیک آیات در توضیح صورت نگرفته اما هر کدام در سطح مربوط به خود شمارش شده‌اند.

در ترجمه فولادوند، آیه ۵ ﴿حَكْمَةٌ بِالْعَهِّ فَمَا تُعْنِي النَّدْرُ﴾ به «حکمت بالغه [حق این بود] ولی هشدارها سود نکرد» حکمت مبتدا ترجمه شده در حالی که حکمت، خبر است و در ترجمه خطای نحوی مشاهده می‌شود.

در ترجمه الهی‌قمشه‌ای در آیه ۷ ﴿كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّتَشِيرٌ﴾ «مانند ملخ به عرصه محشر منتشر شوند» دو خطای ترجمه‌ای بارز مشاهده می‌شود. از جهت نحوی «متشر» صفت برای «جراد» است و به صورت فعل و خبر جمله ترجمه شده یعنی در تشخیص نقش نحوی و نیز ساختار جمله خطا صورت گرفته است.

در آیه ۹ فولادوند با ترجمه ﴿فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا﴾ به «دروغ زن» و تغییر در ساختار صرفی کلمه، فعل به صورت اسمی ترجمه شده است و ثلاثی مزید بودن آن و اینکه از جهت بلاغی هر زیادتیی در لفظ سبب زیادت در معنا می‌شود، مورد غفلت قرار گرفته است. اسم فاعل کاذب به معنای دروغ زن نزدیکتر است و در این آیه ترجمه «نسبت کذب دادند» که در آن بار معنایی بیش‌تری نهفته است مناسبتر به نظر می‌رسد.

در آیه ۲۰ ﴿تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ﴾ «که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنان‌که ساق درخت خرما از ریشه افکنند». در ترجمه فولادوند مرجع ضمیر مردم هستند و مردم به شاخه‌های نخل ریشه کن شده تشبیه شده‌اند و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای رخداد ازجا کردن به ریشه کنی تشبیه شده است. «که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنان‌که ساق درخت خرما از ریشه افکنند». در این ترجمه ضمیر به درستی ارجاع داده نشده است و نیز

از جهت بلاغی مشابه و مشابهه، به درستی تشخیص داده نشده و در نتیجه ترجمه دارای خطای مفهومی، صرفی و بلاغی می‌باشد.

در آیه ۲۴ ﴿فَقَالُوا أَبَشَرًا مِثْلًا وَاحِدًا تَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ﴾ «و گفتند آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم در این صورت ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود». در ترجمه فولادوند ﴿وَاحِدًا﴾ تنها معنی شده است و بدل بودن «نا» در «مِثْلًا» که نوع و جنسیت را می‌رساند مغفول واقع شده و ترجمه درست و روانی از آیه بدست نداده و ترجمه بدون توجه به ساختار نحوی و مقصود آیه آورده شده است.

در آیه ۴۴ ﴿أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُنْتَصِرُونَ﴾ در ترجمه فولادوند «یا می‌گویند ما همگی انتقام‌گیرنده [و یار و یاور همدیگر]یم» جمیع «تاکید» برای نحن به شمار رفته و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای خبر برای نحن در نظر گرفته شده؛ در ترجمه فولادوند نقش نحوی کلمه به درستی در نظر گرفته نشده است.

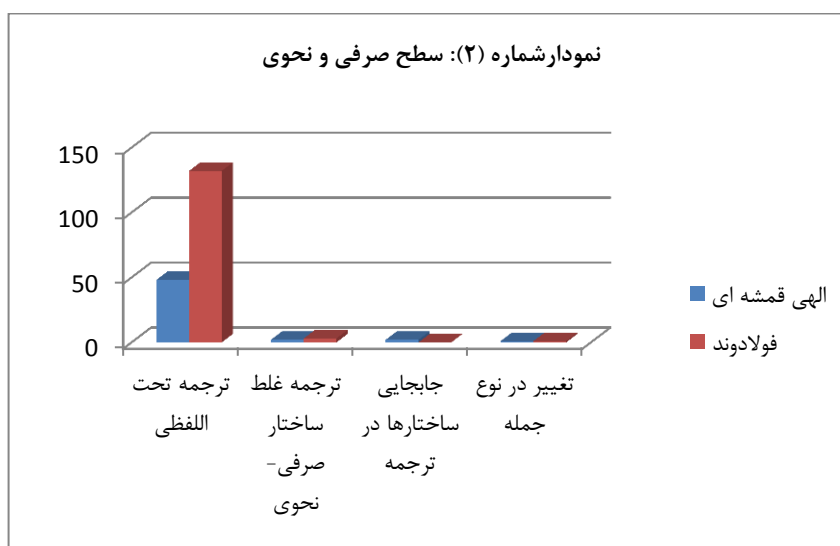
در آیه ۵۴ ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ﴾ الهی‌قمشه‌ای ساختار جمله اسمیه و خبر شبه جمله را به خبر جمله تغییر داده است «محققاً اهل تقوا در باغ‌ها و کنار نه‌رها (ی بهشت ابد) منزل‌گزینند» به جای در میان باغ‌ها و نه‌رها هستند و در آیه ۵۵ ﴿فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ﴾ خبر را واژه متنعم که در جمله وجود ندارد گرفته است.

جدول شماره (۲): سطح صرفی و نحوی

شاخص مترجمان	ترجمه تحت‌اللفظی	ترجمه غلط ساختار صرفی - نحوی	جابجایی ساختارها در ترجمه	تغییر در نوع جمله
الهی‌قمشه‌ای	۴۸	۲	۲	۱
فولادوند	۱۳۲	۳	۰	۱

فولادوند در هر ۵۵ آیه سوره مبارکه قمر، ترجمه‌ای وفادار به متن مبدأ ارائه داده به گونه‌ای که هر واژه از متن مبدأ با واژه‌ای از متن مقصد جایگزین شده است. این نوع ترجمه

تعادل صوری^{۲۹} است و شامل تعویض کاملاً صوری واژه یا عبارتی از زبان مبدأ با واژه یا عبارتی از زبان مقصد می‌شود (حتیم و ماندی، ۱۳۹۳: ۷۵). این ترجمه به مثابه یک فرهنگ لغت است که در مقابل هر واژه از زبان مبدأ یک واژه از زبان مقصد قرار گرفته‌است؛ این وفاداری به متن مبدأ تا آنجا پیش می‌رود که مترجم خود را ملزم می‌داند که برای همه حروف^{۳۰} نیز معادلی بیاورد.



همان‌گونه که تحلیل آماری سطح صرفی-نحوی نشان می‌دهد در این سطح فولادوند در ۳ مورد و الهی قمشه‌ای در ۲ مورد ترجمه غلط ساختار صرفی و نحوی داشته‌اند. در ترجمه الهی قمشه‌ای ۲ مورد جابجایی ساختارها در ترجمه مشاهده می‌شود در حالی که در ترجمه فولادوند جابجایی در ترجمه صورت نگرفته‌است.

در ترجمه فولادوند و الهی قمشه‌ای هر کدام یک مورد تغییر نوع جمله در ترجمه مشاهده می‌شود و در ترجمه فولادوند ۱۳۲ مورد و در ترجمه الهی قمشه‌ای ۴۸ مورد ترجمه تحت‌اللفظی واژه‌ها مشاهده می‌شود. پیرامون ترجمه تحت‌اللفظی گارسس معتقد

است پابندی به ترجمه تحت‌اللفظی به دلیل ارتباط ضعیف با زبان مقصد از ویژگی‌های منفی ترجمه محسوب می‌شود، چون وقتی استفاده از این شیوه از حدّ واژه فراتر رود، رفته‌رفته کار مشکل‌تر می‌شود و هنگامی که این نوع ترجمه به علت اختلاف فرهنگ مسئله‌ساز شود، باید از آن پرهیز کرد (Garcés, 1994: 81). در این نوع ترجمه عناصر سازنده جمله در زبان مبدأ با معادل‌های معنایی خود در زبان مقصد جایگزین می‌شود. در این حالت ساختار نحوی جمله در زبان مبدأ در قالب جمله زبان مقصد نمود پیدا می‌کند (حقانی، ۱۳۸۶: ۱۵۲). با این وجود باید اذعان داشت که ترجمه تحت‌اللفظی جزء ترجمه‌های مقید به متن مبدأ است. که در آن ساختمان دستوری زبان مبدأ به نزدیک‌ترین معادلش در زبان مقصد برگردانده می‌شود (Newmark, 1988: 46).

۴-۳- سطح گفتمانی-کارکردی

در این سطح شاخص‌های تغییر دادن منظور نویسنده، تغییر لحن، تغییر به سبب اختلافات اجتماعی فرهنگی و نیز تغییر در ساخت درونی متن مبدأ، حذف حواشی، حذف تعهدات بررسی می‌شود.

در ترجمه فولادوند در آیه ۲ واژه «دائم» با توجه به فرهنگ‌های لغت و بافت و فضای موجود در آیه که به معجزه اشاره دارد امر خارق عادت است نمی‌تواند معنای «دایم» داشته‌باشد.

در آیه ۲۹ ﴿فَنَادُوا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ﴾ در ترجمه فولادوند صاحب «رفیق» ترجمه شده و در ترجمه الهی‌قمشه‌ای با توجه به بافت و موقعیت جمله که صاحب و رئیس اجازه اجرای امر را می‌دهد «رئیس» ترجمه شده است و مناسب‌تر به نظر می‌آید.

فولادوند تعاطی را «شمشیر کشیدن» و الهی‌قمشه‌ای «مجهز کردن» ترجمه کرده‌است که با توجه به ترجمه واژگانی در لسان‌العرب «بر سرانگشتان ایستادن و بالابردن دست» مجهز شدن به معنای واژه نزدیک‌تر است (ابن منظور، ج ۱۵: ۷۰). ﴿فَعَقَرَ، أَي فَتَعَاطَى الشَّقِيَّ عَقَرَ

تطبیق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه ای ... محمدعلی آذرشب و همکاران

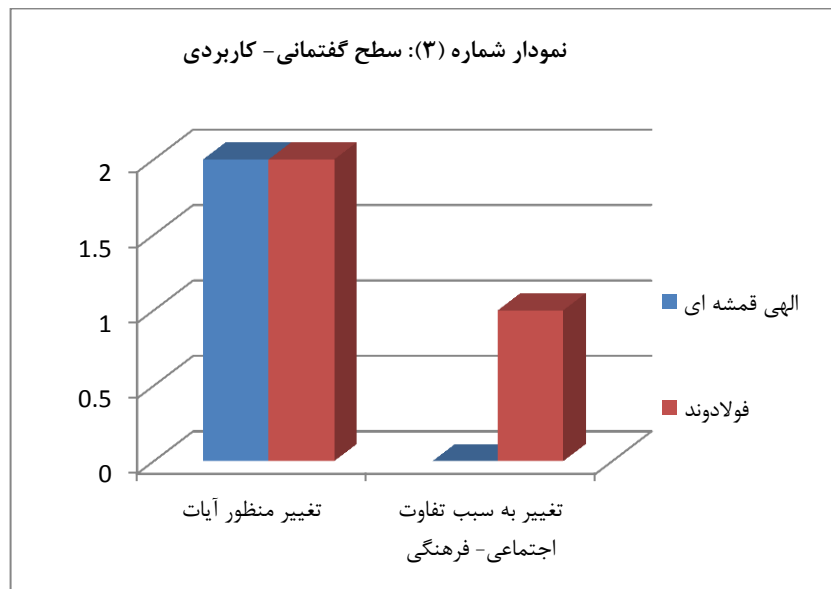
الناقة فبلغ ما أَرَادَ، و قیل: بل تَعَاطِيهِ جُزْأَنَّهُ، و قیل: قَامَ عَلَى أَطْرَافِ أَصَابِعِ رِجْلَيْهِ ثُمَّ رَفَعَ يَدَيْهِ فَضْرَبَهَا».

الهی قمشه‌ای در آیه ۵۰ ﴿وَمَا أَفْرُنًا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمَحٍ بِالْبَصْرِ﴾ «و هیچ تبدیل‌پذیر نیست چه در امر ایجاد و چه در کار معاد، و در سرعت» برداشت نادرست از واژه «واحد» دارد! این آیه مرور سریع و تعجیل در امر را می‌رساند نه تبدیل‌ناپذیری را.

در آیه ۵۱ ﴿وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ﴾ (۱۵/۵۴) آی اشباهکم و نظراءکم فی الکفر. قوله: كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ [۵۴/۳۴] آی بأمثالهم من الشیع الماضية. الهی قمشه‌ای ﴿أَشْيَاعَكُمْ﴾ را «پیشینیان» ترجمه کرده حال آن‌که در آیه مذکور با توجه به قبل و بعد از آن در واقع توجه به بافت آیه، به هم کیشان «نظراء» اطلاق می‌شود، نه پیشینیان که یک واژه عام است و همه را بدون قید و شرط شامل می‌شود «خاص به جای عام».

جدول شماره (۳): سطح گفتمانی - کاربردی

شاخص	تغییر منظور آیات	تغییر به سبب تفاوت اجتماعی - فرهنگی
مترجمان		
الهی قمشه‌ای	۲	۰
فولادوند	۲	۱



نمودار نشان می‌دهد در این سطح الهی‌قمشه‌ای ۲ مورد (واحد و اشیاء کم) در منظور آیات تغییر ایجاد کرده‌است که به نوعی در متن مبدأ خلل به وجود آورده‌است و فولادوند در ۱ مورد (دائم) ترجمه را بر اساس اختلافات فرهنگی- اجتماعی انجام نداده‌است که در بافت مقصد کلام ابتر و نابالغ می‌شود و در ۲ مورد (رفیق و تعاطی) تغییر منظور آیات دارد.

۴-۴- سطح سبکی- کاربرد شناختی

در این سطح، بسط خلاقانه، اشتباه مترجم، کاربرد اصطلاحات نادرست در متن مقصد و تغییر کاربرد صنایع بلاغی مثل استعاره، پرگویی در برابر ساده گویی، حفظ ساختار خاص متن بررسی می‌گردد.

در آیه ۹ که در سطح صرفی نحوی ذکر گردید واژه ﴿فَكَذَّبُوا﴾ بلاغت معنوی و اینکه زیادت لفظ سبب زیادت معنا می‌شود توسط فولادوند نادیده گرفته شده است. از جهت بلاغی نیز نحوه خروج آن‌ها از قبرها به ملخ‌های پراکنده تشبیه شده است یعنی تشبیه از نوع

مرکب «حالت خروج آن‌ها از قبر» به تشبیه مقید می‌باشد حال آنکه در ترجمه الهی‌قمشه‌ای مشبه و مشبه‌به مفرد ترجمه شده‌است و قید؛ خبر در نظر گرفته شده که کاربرد صنعت بلاغی در زبان مقصد تغییر کرده‌است.

در آیه ۲۰ الهی‌قمشه‌ای جایگاه بلاغی مشبه و مشبه‌به را رعایت نکرده‌است. «که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنان‌که ساق درخت خرما از ریشه افکنند». عبارت ﴿وَيَخَا صَوْصُوا﴾ در آیه قبل مشبه و کلمه ﴿أَعْجَازُ نَحْلِ﴾ مشبه‌به است.

در آیه ۳۸ الهی‌قمشه‌ای ﴿صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً﴾ را «شبی به صبحگاه رسید» ترجمه کرده است. بدون توجه به تاکید و بدلیت و دلالت «صَبَّحَ» بر داخل صبح شدن «چه صبحی بر آنان وارد شد (آمد!)» که دلالت بر تعجب و سخت بودن این صبح از آیه سلب شده و بعد معنوی آن در نظر گرفته نشده‌است.

در آیه ۵۴ ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهْرٍ﴾ در ترجمه فولادوند موقوف المعنی بودن دو آیه آخر سوره مبارکه قمر مدنظر قرار گرفته اما در ترجمه الهی‌قمشه‌ای هر آیه مستقل در نظر گرفته شده‌است و نیز در آیه آخر «متنعمند» را خبر مقلد برای مبتدا گرفته است.

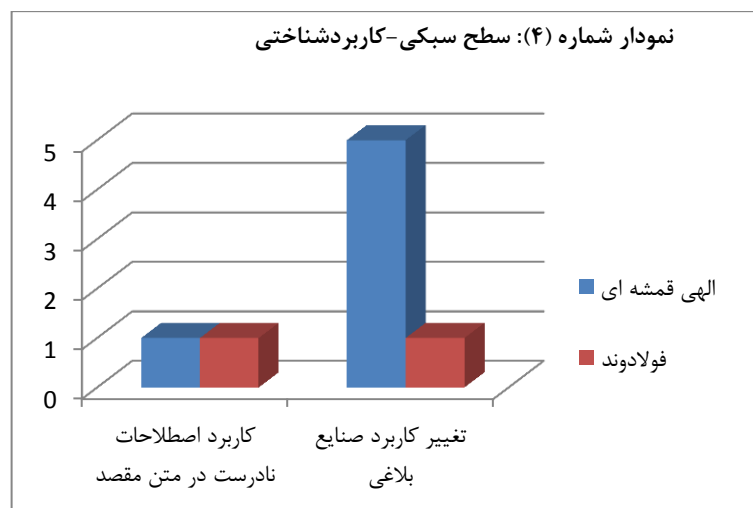
در معادل یابی اصطلاحی، مترجم موقعیت عبارت متن اصلی را با موقعیتی مشابه در زبان مقصد مقایسه می‌کند و سپس مضمون آن را با لفظ، اصطلاح یا تشبیه متفاوتی بازگو می‌کند. در آیه ۱۰ فولادوند ﴿فَانْتَصَرُوا﴾ را به «داد من برس» یعنی ترجمه اصطلاحی نموده، الهی‌قمشه‌ای از آن ترجمه ای لفظی ارائه داده «و تو مرا یاری کن» ترجمه کرده‌است.

در آیه ۷ ﴿حُشُّعًا أَبْصَارُهُمْ﴾ در ترجمه الهی‌قمشه‌ای «چشم بر هم نهادن» ترجمه شده است که با توجه به کاربرد اصطلاحات در زبان مقصد این عبارت به مجاز چیزی را ندیده گرفتن، چشم پوشی و تواضع کردن است و کاربرد آن متناسب با اصطلاحات زبان مقصد نیست و در زبان مقصد از سر به زیر افکندن استفاده می‌شود.

جدول شماره (۴): سطح سبکی- کاربرد شناختی

شاخص / مترجمان	کاربرد اصطلاحات نادرست در متن مقصد	تغییر کاربرد صنایع بلاغی
الهی قمشه‌ای	۱	۵
فولادوند	۱	۱

چنان‌که مشاهده می‌شود، در ترجمه الهی قمشه‌ای و فولادوند هرکدام یک مورد کاربرد اصطلاحات نادرست در متن مقصد همچنین در ترجمه الهی قمشه‌ای ۵ مورد و در ترجمه فولادوند ۱ مورد تغییر کاربرد صنایع بلاغی مشاهده می‌شود.

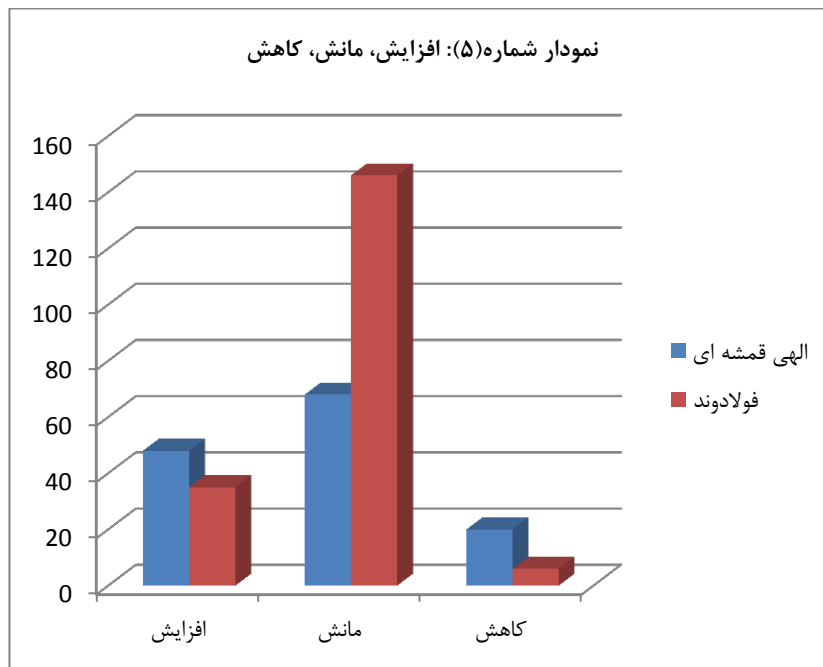


در سطح سبکی- کاربرد شناختی عدم رعایت قواعد بلاغی در ترجمه پیامی-ارتباطی بیش‌تر است و مترجم کمتر خود را مقید به رعایت قوانین بلاغی می‌داند. در قسمت ترجمه اصطلاحی مطلع بودن مترجم بر اصطلاحات و تعابیر یک زبان بیش‌تر نقش دارد تا نوع ترجمه وی؛ همان‌گونه که در این دو ترجمه مشاهده می‌شود میزان خطای اصطلاحی هر دو مترجم به یک اندازه است.

گارسس شاخص‌های مدل پیشنهادی خود را در سه بُعد عمده (افزایش^{۳۱}، مانس یا حفظ^{۳۲}، کاهش^{۳۳}) جای داده است. شاخص‌های تعریف، بسط، دستورگردانی، توضیح، تغییرات ناشی از اختلافات اجتماعی فرهنگی، بسط خلاقانه، تغییر در ساخت درونی متن مبدأ در بُعد افزایش قرار دارند. شاخص‌های معادل فرهنگی، اقتباس، ابهام، گرتنه برداری، ترجمه تحت‌اللفظی، جبران، تغیر نوع جمله، تغییر لحن، حفظ اسامی خاص، در بُعد مانس قرار می‌گیرند و شاخص‌های حذف، کاربرد اصطلاحات نادرست در متن مقصد، حذف قسمتی از متن، اشتباه مترجم (Garces, 1994: 85) در بُعد کاهش قرار می‌گیرد.

جدول شماره (۵): افزایش، مانس و کاهش در ترجمه سوره مبارکه قمر

افزایش		مانس		کاهش	
کلیه قسمتهای	فولادوند	کلیه قسمتهای	فولادوند	کلیه قسمتهای	فولادوند
توضیح	۲۱	۰	ترجمه تحت اللفظی	۴۸	۱۳۲
بسط نحوی	۲۵	۳۱	انتقال ابهام	۲۰	۱۴
تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی	۰	۱	تغییر در تارمایی در مفهوم اجتماعی	۴	۴
تغییر در حساسیت مبتداً	۲	۲	تغییر در متن	۳	۲
جمع	۴۸	۳۵	۶۸	۱۴۱	۲۰



همان‌طور که جدول و نمودار بالا نشان می‌دهد میزان افزایش در ترجمه الهی‌قمشه‌ای بیش‌تر از ترجمه فولادوند، میزان مانس و میزان کاهش در ترجمه فولادوند بیش‌تر از ترجمه الهی‌قمشه‌ای است.

اما مرحله نهایی و ملاک اصلی برای سنجش مقبولیت و کفایت ترجمه، ارزیابی آن بر مبنای ویژگی‌های مثبت، منفی و خنثی می‌باشد. در این جدول فقط شاخص‌های مشاهده شده در ترجمه قرار گرفته‌است.

جدول شماره (۶): سنجش میزان کفایت و مقبولیت ترجمه فولادوند و الهی قمشه ای از سوره قمر

ویژگی‌های منفی			ویژگی‌های مثبت		
فولادوند	الهی قمشه‌ای		فولادوند	الهی قمشه‌ای	
۳	۴	انتقال ابهام	۰	۲۱	توضیح
۳	۱۰	قبض نحوی یا کاهش	۳۱	۲۵	بسط نحوی
۱	۵	تغییر در صنایع بلاغی	۱۱	۱۶	هماندسازی
۲	۴	تصرف در متن مبدأ	۱	۰	تغییر به علت تفاوت‌های اجتماعی
۱۳۲	۴۸	ترجمه تحت‌اللفظی			
۴	۳	نارسایی در مفهوم معادل‌ها			
۳	۲	تغییر در ساخت درونی متن مبدأ			
۱۴۸	۷۶		۴۳	۶۲	مجموع فراوانی شاخص‌ها

جدول بالا دو معیار کفایت و مقبولیت را با توجه به میزان ویژگی‌های مثبت و منفی ترجمه فولادوند و الهی قمشه‌ای از سوره قمر نشان می‌دهد.

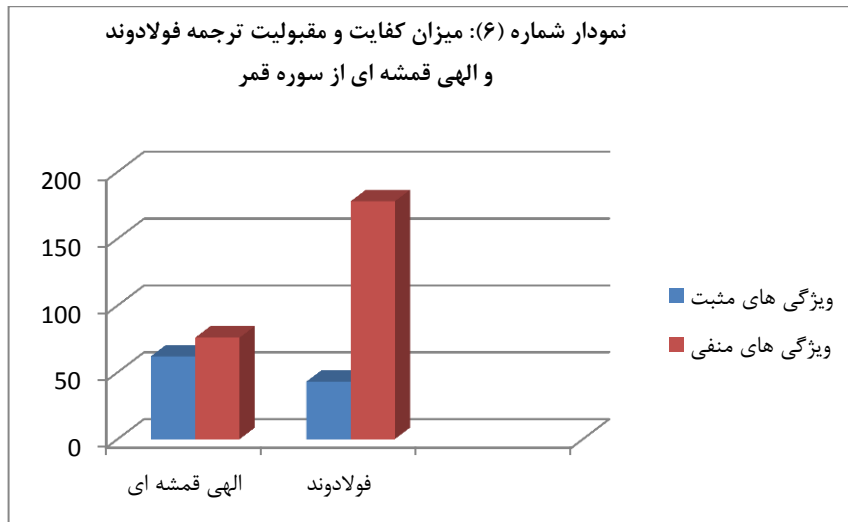
همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بر اساس میزان ویژگی‌های مثبت:

ترجمه سوره قمر الهی قمشه‌ای نسبت به ترجمه فولادوند به دلیل دارا بودن ویژگی مثبت بیش‌تر، از کیفیت بهتری برخوردار است و ترجمه ایشان روان، ساده و برای خوانندگان زبان مقصد قابل فهم تر می‌باشد.

بر اساس میزان ویژگی‌های منفی:

ترجمه سوره قمر فولادوند ویژگی منفی بیش‌تری نسبت به ترجمه الهی قمشه‌ای دارد. البته باید توجه داشت که برمبنای الگوی گارسس ترجمه تحت‌اللفظی ویژگی منفی

محسوب می‌گردد اگر این شاخص را در این قسمت در نظر نگیریم میزان فراوانی جنبه منفی ترجمه الهی قمشه ای در این بخش بیش تر خواهد بود.



۵- نتیجه گیری

در پژوهش حاضر ضمن طرح مسئله و بررسی ادبیات پژوهش، کیفیت ترجمه الهی قمشه ای و فولادوند از سوره مبارکه قمر بر مبنای الگوی گارسس، مورد ارزیابی قرار گرفت.

۱- نتایج نشان داد، این الگو قابلیت کاربست در نقد و ارزیابی ترجمه های قرآنی را دارد. بررسی و تطبیق دو ترجمه، بر مبنای شاخص های این الگو در سطوح مختلف، نقاط قوت و ضعف ترجمه ها را نشان داد.

۲- در این بررسی سطح معنایی- لغوی بیش از سایر سطوح الگوی گارسس، قابلیت کاربست را دارا بود. در این سطح ترجمه فولادوند، بسط و گسترش معنایی بیش تری نسبت به ترجمه الهی قمشه ای دارد، فولادوند در حد یک الی دو کلمه به ترجمه افزوده تا ترجمه را قابل فهم تر کند؛ اما در توضیح، قبض و ابهام واژگانی الهی قمشه ای فراوانی

بیش‌تری دارد، این ترجمه آزادتر و پیامی‌تر است. هر جا لازم دانسته، دخل و تصرفاتی را بوجود آورده است و در اثر این دخل و تصرفات زیاد، برخی واژه‌ها دچار چندمعنایی شده‌اند و وحدت معنایی واژگانی که در همه آیات کاربرد یکسانی دارد از بین رفته‌است.

۳- تحلیل آماری سطح صرفی - نحوی ترجمه‌ها نشان داد، خطاهای صرفی و نحوی در هر دو ترجمه وجود دارد. داده‌های این سطح نشان داد ترجمه هر چه به سوی ترجمه آزاد و پیامی پیش می‌رود، کمتر به صرف و نحو وفادار می‌ماند و تغییراتی در ساختارهای صرفی و نحوی ایجاد می‌گردد.

۴- در سطح گفتمانی-کاربردی در ترجمه الهی‌قمشه‌ای و فولادوند، تغییر در لحن و منظور آیات و در ترجمه فولادوند تغییر در ترجمه، به سبب اختلافات فرهنگی-اجتماعی مشاهده می‌شود. نتیجه اینکه هر چه ترجمه به سوی ترجمه پیامی و ارتباطی پیش می‌رود از منظور و لحن نویسنده دور می‌گردد، نتیجه این که در زبان مقصد قابل فهم‌تر است؛ اما از انتقال پیام متن مبدأ دورتر شده‌است و هر چه ترجمه به سوی ترجمه تحت‌اللفظی سوق داده شود، اختلافات فرهنگی، اجتماعی و بافت متن نادیده گرفته می‌شود و به زبان مبدأ نزدیک‌تر و در زبان مقصد فهم آن دشوار می‌شود.

۵- در سطح سبکی-کاربرد شناختی ترجمه فولادوند و الهی‌قمشه‌ای هر کدام یک کاربرد نادرست از اصطلاحات متن مقصد دارند. در ترجمه الهی‌قمشه‌ای پنج تغییر کاربرد بلاغی وجود دارد که این تغییرات در کاربرد صنایع بلاغی ترجمه را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار داده و در ساختارهایی مثل مشبه و مشبه‌به، وارونگی بوجود آورده است.

۶- بعد از طبقه‌بندی شاخص‌ها در سه بُعد افزایش، مانس و کاهش، میزان افزایش در ترجمه الهی‌قمشه‌ای بیش‌تر، میزان مانس و کاهش در ترجمه فولادوند بیش‌تر مشاهده شد.

۷- مطابق الگوی گارسس بعد از دسته‌بندی شاخص‌ها در دو طیف ویژگی‌های مثبت و ویژگی‌های منفی، شواهد نشان داد در ترجمه هر دو مترجم ویژگی‌های منفی بیش‌تر از

ویژگی‌های مثبت است. از آنجا که انتقال تمام جوانب و شاخص‌های مطرح شده در متن اصلی در ترجمه بسیار مشکل است لذا هر دو ترجمه مقبول و در شاخص‌های توضیح، بسط نحوی، همانندسازی کفایت بالایی داشتند.

۸- ترجمه فولادوند نسبت به ترجمه الهی‌قمشه‌ای ویژگی‌های منفی بیشتری دارد. با توجه به این‌که سبک ترجمه فولادوند ترجمه تحت‌اللفظی می‌باشد، می‌توان گفت در الگوی گارسس تفاوت در سبک ترجمه، سبب تفاوت در نتایج می‌گردد چنان‌که در این پژوهش ترجمه تحت‌اللفظی ویژگی‌های منفی بیشتری نسبت به ترجمه آزاد را نشان می‌دهد.

۹- در بیان محدودیت پژوهش قابل ذکر است که تعیین مرز برخی سطوح در الگوی گارسس، مشکل و محل بحث است و این موضوع می‌تواند سبب اختلاف نظر محققین گردد. همچنین برخی از شاخص‌های الگوی گارسس در بررسی سوره قمر مشاهده نشد. با توجه به این‌که یکی از نیازهای مهم در حوزه ترجمه‌های قرآنی بررسی میزان صحت و سقم و کفایت و مقبولیت آنهاست و کاربرد الگوی گارسس در ارزیابی ترجمه، زمان‌بر، دقیق و فنی است. لذا پیشنهاد می‌گردد کل سوره‌های قرآن بر مبنای ترجمه‌های موجود یا مقایسه‌ای بین ترجمه‌ها در قالب پروژه‌ها یا پایان‌نامه‌ها دوره دکتری در قالب کاربست این الگو مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد.

۶- پی‌نوشت

- 1- Carmen Valero Garces
- 2- Translation criticism
- 3- Semantic-Lexical
- 4- Expansion
- 5- Adaptation
- 6- Cultural Equivalent
- 7- The definition and explanation
- 8- Adaptation
- 9- Lexical Ambiguity
- 10- Complexity
- 11- Syntactical-Morphological
- 12- Modulation

- 13- Compensation
- 14- Literal Translation
- 15- Implication
- 16- Reduction
- 17- Omission
- 18- Discursive-Functional
- 19- Stylistic-Pragmatic
- 20- Expansion
- 21- Reduction
- 22- Transposition

۲۳- در اکثر ترجمه‌ها کلمه «سعر» به ناقه ای تشبیه شده که از سبکی و قلق به جنون دچار شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۴: ۳۶۶؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵: ۱۷۴۹؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۵۸؛ زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ۴۲۰). اما با توجه به بافت آیه و هم‌آیی کلمه ضلال همانگونه که برخی از کتب لغت هم ذکر کرده و نامشان آورده شده است بهتر است «در گمراهی و سرگردانی» ترجمه شود چرا که ماحصل گمراهی حیرت و سرگردانی و هلاکت است.

۲۴- قوله: «كَأَنَّهُمْ أُعْجِزُوا نَخْلًا مُتَفَعِّرًا» ای أصول نخل منقطع (طبرسی، ج ۳: ۴۶۲)، (قعر) «گویی که تنه نخل‌هایی هستند» (راغب اصفهانی، ج ۲: ۵۵۲). نخلی که ریشه‌اش رونده در ژرفنای زمین است (همان، ج ۳: ۲۲۸) (ذوقُوا مَسَّ سَقَرَ) (قمر/۴۸).

۲۵- حال آنکه در لسان العرب این کلمه «نَافِذٌ مَاضٍ فِيمَا أَمَرَ بِهِ وَ سُخَّرَ لَهُ» ترجمه شده است.

- 26- Cohesion
- 27- Coherence
- 28- Conceptual
- 29- Formal equivalence

۳۰- مانند ترجمه لَقَدْ به قطعاً در آیات ۴ و نیز ۱۵، ۱۷، ۳۲ و ۴۱ و ...

- 31- Addition
- 32- Conservation
- 33- Suppression

۷- منابع

*قرآن کریم

۱- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چاپ سوم، (۱۴۱۴ق).

- ۲- ابن معصوم مدنی، سیدعلی خان بن احمد بن محمد معصوم الحسین، الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول، مشهد: موسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، چاپ اول، (۱۳۸۴ش).
- ۳- اقبالی، مسعود، نامداری، ابراهیم، «نقد و بررسی ترجمه الهی قمشه ای و مکارم شیرازی از سوره مبارکه یوسف با تأکید بر نظریه سطح صرفی نحوی گارسس»، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های زبانشناختی قرآن کریم، دوره ۷، شماره ۲، ص ۱۳۶-۱۱۹، (۱۳۹۷ش).
- ۴- امرایی، محمد حسن، «نقد و ارزیابی کیفیت ترجمه قرآن آیت الله یزدی بر اساس الگوی گارسس (مطالعه موردی سوره بقره)»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات قرآن و حدیث، دوره ۵، شماره ۱۰ پاییز و زمستان، (۱۳۹۷ش).
- ۵- انوری کوهستانی، علی، «نقد و بررسی آیات متشابه لفظی در قصص قرآن کریم بر اساس رویکرد گارسس»، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق و الهیات دانشگاه شهید باهنر کرمان، به راهنمایی حمید صناعی گراغانی، (۱۳۹۶).
- ۶- حقانی، نادر، نظرها و نظریه‌های ترجمه، تهران: امیرکبیر، چاپ اول، (۱۳۸۶ش).
- ۷- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة، مصحح: عطار، احمد عبدالغفور، دار العلم للملایین، بیروت، چاپ اول (۱۳۷۶ق).
- ۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاپ اول (۱۴۱۲ق).
- ۹- رحیمی خویگانی، محمد، «نقد واژگانی ترجمه موسوی گرمارودی از قرآن کریم (با تکیه بر سطح معنایی - لغوی گارسس)»، دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، دوره ۴، شماره ۷، بهار و تابستان، (۱۳۹۶ش).
- ۱۰- رحیمی خویگانی، محمد، علی کرمی، عسگر، باقری دهبازر، حمید، «نقدی بر انتخاب‌های واژگانی محمد دشتی در ترجمه نهج البلاغه از منظر سطح معنایی لغوی گارسس»، پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی سال هشتم پاییز و زمستان، شماره ۱۹، صص ۳۱-۹، (۱۳۹۷ش).
- ۱۱- رشیدی، ناصر، فرزانه، شهین، «ارزیابی و مقایسه دو ترجمه فارسی از رمان انگلیسی دن کیشوت اثر میگوئل دو سروانتس بر اساس الگوی گارسس»، فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادب

تطبيق و ارزیابی ترجمه‌های قرآن کریم فولادوند و الهی قمشه ای ... _____ محمدعلی آذرشب و همکاران

فارسی، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال پنجم، شماره ۱۵، (۱۳۹۲ش).

۱۲- زبیدی، سید مرتضی محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، مصحح: شیری، علی، بیروت: دار الفکر، چاپ اول (۱۴۱۴ق).

۱۳- شاهسونی، مجتبی، شمس آبادی، حسین، «آسیب شناسی ترجمه در بخش‌های خبری رسانه‌های عربی زبان برون مرزی (شبکه العالم، شبکه الکوثر و رادیو عربی)»، پژوهشنامه رسانه بین الملل، سال سوم، پاییز، شماره ۳، (۱۳۹۷ش).

۱۴- صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، مصحح: آل یاسین، محمدحسن، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول (۱۴۱۴ق).

۱۵- صیادانی، اصغرپور، خیراللهی، «نقد و بررسی رمان «قلب اللیل» با عنوان دل شب بر اساس مدل گارسس»، دو فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال هفتم، بهار و تابستان، شماره ۱۶، (۱۳۹۶ش).

۱۶- صفوی، کورش، آشنایی با معنی شناسی، تهران: پژوهاک کیهان، چاپ دوم، (۱۳۹۱ش).

۱۷- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المرتضی، (۱۴۲۷ق).

۱۸- طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مصحح: حسینی اشکوری، احمد، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ سوم، (۱۳۷۵ش).

۱۹- فرهادی، پروین، «بررسی، نقد و ارزیابی ترجمه متون عربی (مطالعه موردی: نقد و ارزیابی آثار ترجمه شده غسان کنفانی در سه بخش قصص، روایات و مسرحیات)»، پایان‌نامه رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، به راهنمایی جواد اصغری، (۱۳۹۲ش).

۲۰- غلامی بروجی، نجمه، «بررسی مقابله‌ای ترجمه شمس الملوک مصاحب و رضا رضایی از رمان غرور و تعصب براساس مدل گارسس ۱۹۹۴»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی ناسرین فخر، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، (۱۳۹۴ش).

۲۱- متقی زاده، عیسی، نقی زاده، سیدعلاء، «ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسس (پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۵ برای نمونه)»، دو فصلنامه

دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث _____ دوره ۶، شماره ۱۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، دوره ۷، شماره ۱۶، تابستان، صفحه ۱۹۴-۱۶۹ (۱۳۹۶ش).

۲۲- مهدی پور، فاطمه، «نقد و بررسی ترجمه‌های حداد عادل، انصاریان و معزی در جزء ۲۹ و ۳۰ قرآن کریم بر اساس الگوی گارسس»، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر عسگر بابازاده اقدم، دانشگاه علوم و معرف قرآن، دانشکده علوم قرآنی خوی، (۱۳۹۸ش).

۲۳- نصیری، حافظ، روش ارزیابی و سنجش کیفی متون ترجمه شده از عربی به فارسی، تهران: سمت، چاپ اول، (۱۳۹۰ش).

۲۴- هلیدی، مایکل، حسن، رقیه، زبان، بافت و متن جنبه‌هایی از زبان در چشم‌اندازی اجتماعی-نشانه‌شناختی، ترجمه مجتبی منشی زاده، طاهره ایشانی، تهران: نشر علمی، چاپ اول، (۱۳۹۳ش).

۲۵- حیتیم، بسیل، ماندی، جرمی، مرجعی پیشرفته برای ترجمه، ترجمه مریم جابر، زیر نظر فریبرز مجیدی، تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم، (۱۳۹۳ش).

26- Garcés, Carmen Valero, »A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study«, *The Scarlet Letter by N. Hawthorne into Spanish Babel*, Vol 40. No 2. Pp.: 77-102. (1994)

27-Newmark, Peter, *A textbook of translation*, New York: Prentice Hall. (1988).

28-Newmark, Peter, *Approaches to translation*, Oxford: pergamon press. (1984)

29-<https://www.uah.es/es/estudios/profesor/M.-Carmen-Valero-Garces>